



# تاریخ رادیو

■ رضا مختاری اصفهانی

پژوهشگر تاریخ رادیو

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ارتباطات و انتقال پیام از آن روزگار که انسان دوران بدویت را می‌گذرانده تا روزگاری که پا در عرصه زندگی نوین گذاشت، از دغدغه‌های او بوده است. این پیام‌رسانی اما با پیچیده‌تر شدن زندگی انسانی نیز ابعاد مختلف گرفته است. روزنامه، اولین رسانه مدرن است که در دنیای جدید پا به عرصه وجود نهاد. این رسانه در ایران توسط دولت تأسیس شد و تا دوره‌ی مشروطه، روزنامه‌ها دولتی بودند و پیام‌رسان اهداف و منویات دولت.

اختراع تلگراف و تلفن در قرن نوزدهم جهشی دیگر در زندگی انسان بود که بر سرعت و ابعاد ارتباطات در جوامع افزود. تلگراف برای اولین بار در سال ۱۸۶۲ م. به ایران راه یافت. تلگراف در زندگی ایرانیان نقش مهمی ایفا کرد و نام آن در تاریخ سیاسی این مرز و بوم فراوان آمده است. در جنبش سیاسی-اجتماعی ایرانیان که از اواخر سلطنت ناصرالدین شاه آغاز شد، مخابره تلگراف علمای نجف به دولتیان و اعتراض به رفتارهای سیاسی آنان و همچنین ارتباط تلگرافی علمای مذکور با علما و مردم ایران، علاوه بر سرعت انتقال پیام و اعتراض این نهاد تأثیرگذار، موجب عمومی شدن و افشای روابط روحانیت و دولت شد.

در انقلاب مشروطه هم که نظام مطلقه سلطنتی مضمحل شده بود، توده‌های مردمی به اقتضای شرایط سال‌های ابتدایی هر انقلابی، زینت‌بخش هر حرکت و اعتراض بودند. وسیله‌ی ارتباطی گروه‌ها، محافل و طبقات گوناگون، تلگراف بود و تلگرافخانه علاوه بر ارسال پیام به نقاط دیگر کشور و به ویژه تهران، مرکزی برای تجمع و ناگفته پیداست مخالفان مشروطه بود. ناگفته پیداست تلگراف در انقلاب مشروطه نقش بسزا و مهمی ایفا کرد. چنانچه بعدها تلفن، رادیو و ضبط چنین نقشی را در انقلاب اسلامی ۵۷ بر عهده داشتند.

سومین وسیله‌ی ارتباطی و رسانه‌ای که ایران و جهان را تحت تأثیر قرار داد، رادیو است. کشف امواج الکترومغناطیسی توسط هنریچ هرتز زمینه‌ای برای ایجاد رادیو شد. رادیو به عنوان وسیله‌ی ارتباطی با استفاده از امواج الکترومغناطیسی به ارسال و دریافت پیام می‌پردازد. این امواج که در فضا با سرعت نور حرکت می‌کنند، به امواج نوری و گرمایی شبیه هستند، اما از لحاظ فرکانس پایین‌تر می‌باشند. در تلگراف بی‌سیم امواج الکترومغناطیسی برای دریافت و ارسال به صورت موریس و در تلفن و رادیو به شکل پیام‌های صوتی عمل می‌کنند.

نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم عرصه‌ی تلاش دانشمندان زیادی از ملیت‌های گوناگون برای انتقال پیام به فواصل دور بود که در این میان مارکونی ایتالیایی سرآمد آنان است. در ابتدا استفاده از بی‌سیم و تلفن برای ارتباط در حد مکالمه از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر بود و حتی اختراع رادیو و استفاده از آن برای ایجاد همین نوع ارتباط بود.

در همان زمان در بریتانیا مطابق قانونی مصوب مجلس نمایندگان در سال ۱۹۰۴م، نظارت بر فعالیت‌های تلگراف، بی‌سیم و تلفن اعم از حوزه‌ی عمومی، خصوصی و متفرقه به اداره کل پستخانه ملی سپرده شد. در همان زمان اما از

دیدگاه برخی سیاستگران، رادیو رسانه‌ای دارای مخاطب با گستره‌ی تمام دنیا بود و نمی‌بایستی به عنوان «بزار و رسانه‌ای فردی، سری و محرمانه» نگریده شود. سرانجام شانزده سال بعد در فوریه‌ی ۱۹۲۰ اداره‌ی پست به کمپانی مارکونی اجازه داد که از یک فرستنده در چلمس فورد پخش رادیویی داشته باشد. با وجود این اجازه، اداره پست نگران اختلال در دادن خدمات ارتباطی نقطه به نقطه توسط این فرستنده بود. نیروهای مسلح نیز نگران شنیدن پیام‌های محرمانه‌ی خود در صورت پخش برنامه‌های رادیویی بودند.

با این همه رادیو در اختیار همگان نبود. اداره‌ی پست هم خود برنامه‌ی مشخصی در این باره نداشت تا این که در سال ۱۹۲۲ به کمپانی مارکونی اجازه‌ی پخش برنامه‌هایی به طور منظم از ایستگاه ریتل داده شد. اندک زمانی بعد ایستگاه پخش رادیویی لندن به نام «لندن ۲» افتتاح شد.

نگرانی از «هرج و مرج و آشفتگی و تداخل و تراکم در طول امواج» همچنان از نگرانی‌های اداره‌ی پست بود و از همین رو در دادن امتیاز جدید به «تولیدکنندگان و سازندگان رادیو» محدودیت‌هایی اعمال می‌گردید. در حالی که سازندگان رادیو بر آن بودند مانند کمپانی مارکونی با پخش برنامه دستگاه‌های گیرنده رادیویی خود را به فروش برسانند، اداره پست هم درصدد بود از انحصار پخش برنامه در اختیار یک شرکت جلوگیری کند. بر این اساس بنا شد «تولیدکنندگان و سازندگان برجسته و عمده» اتحادیه صنفی پخش برنامه تشکیل دهند. این امر به صدور امتیاز غیررسمی سازمان پست به بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیایی (بی.بی.سی) در سال ۱۹۲۲ منجر شد و بدین ترتیب با سابقه‌ترین ایستگاه رادیویی جهان فعالیت خود را آغاز کرد.<sup>۱</sup> رادیو هم مانند دیگر وسایل ارتباطی مدت نسبتاً مدیدی طول کشید تا به ایران

راه یابد. نخستین ایستگاه فرستنده‌ی کشور در ابتدای سلطنت رضاشاه تأسیس گردید. این ایستگاه در ساعت ۳ بعد از ظهر ششم اردیبهشت ۱۳۰۵ خورشیدی، با حضور رضاشاه افتتاح شد و «بی‌سیم پهلوی» نام گرفت. اولین پیامی که از این ایستگاه مخابره گردید، بدین شرح بود:

«امروز سومین روز تاجگذاری اعلیحضرت شاهنشاه پهلوی می‌باشد. در این ساعت، موقع تشریفات افتتاحیه این استاسیون است. این دستگاه تلگراف با حضور اعلی‌حضرت شاهنشاهی تأسیس و در تحت ریاست و حمایت عالیه ملوکانه می‌باشد. این دستگاه تلگراف از امروز افتخار دارد که دستگاه‌های مرتبط را دعوت به مخابره با خود بنماید.»<sup>۲</sup>

نخستین فرستنده تهران بیست کیلووات قدرت داشت و طول دکل آن ۱۲۰ متر بود. تأسیس بی‌سیم پهلوی گام مهمی در تأسیس رادیو بود، به طوری که با گسترش فعالیت‌های آن، گروهی از کارکنان بی‌سیم برای آموزش‌های تخصصی به فرانسه اعزام شدند.

حدود یازده سال پس از تأسیس بی‌سیم پهلوی، در ۱۳۱۶ خورشیدی، دستور رضاشاه به وزیر پست و تلگراف برای خرید سه دستگاه فرستنده رادیویی موج کوتاه و متوسط به همراه ایجاد ساختمان‌های لازم برای این امر، سنگ بنای اندیشه ایجاد رادیو در ایران است.<sup>۳</sup> اما تأسیس رادیو با ایجاد سازمان پرورش افکار جدی شد.

سازمان پرورش افکار در سال ۱۳۱۷ ایجاد و هدف آن راهبرد افکار عمومی به سوی ناسیونالیسم مبتنی بر شاه‌پرستی و تجدد مورد نظر سلطنت پهلوی بود. از جمله وسایل پیشبرد این سیاست، کمیسیون رادیو بود که در کنار وسایل ارتباط جمعی دیگر همچون کتاب و مطبوعات عهده‌دار این وظیفه شد. وظایف این کمیسیون در ماده یازدهم اساسنامه سازمان مذکور چنین پیش‌بینی شده بود: «کمیسیون رادیو مأمور است برنامه



**نخستین فرستنده  
تهران بیست کیلووات  
قدرت داشت و طول  
دکل آن ۱۲۰ متر  
بود. تأسیس بی سیم  
پهلوی گام مهمی در  
تأسیس رادیو بود، به  
طوری که با گسترش  
فعالیت‌های آن، گروهی  
از کارکنان بی سیم  
برای آموزش‌های  
تخصصی به فرانسه  
اعزام شدند.**

۱۳۱۸ به بنده اطلاع داده شد که در کمیسیون عالی پرورش افکار حضور یابم. این کمیسیون در عمارت معروف خوابگاه (خوابگاه ناصرالدین شاه) که در آن تاریخ محل وزارت دارایی بود، تشکیل می‌شد و... عده‌ای از وزیران و از جمله وزیر فرهنگ و وزیر دارایی و جمعی از استادان و دانشمندان در آن عضویت داشتند... در آن جلسه موضوع تأسیس **رادیو تهران** مورد بحث واقع شد و از بنده دعوت نمودند که با سمت ریاست دبیرخانه رادیو آغاز به کار نمایم... سازمان برنامه چون یک بنگاه دولتی نبود، نمی‌توانست اداراتی تشکیل بدهد و ناچار قسمتی که می‌بایستی عهده‌دار امور اداری و تبلیغی (برنامه‌های گفتار، سخنرانی، اخبار، موسیقی و مطالبی که قرار شد به زبان‌های خارجی نشر و پخش گردد) باشد، به نام دبیرخانه رادیو موسوم گردید و نگارنده را که به عقیده اعضای کمیسیون پرورش افکار دارای اطلاعات مطبوعاتی و اداری بودم، برای تصدی این پست انتخاب نمودند. در آن زمان اداره کردن امری که هیچ سابقه‌ای در کشور نداشت، آن هم با نبودن وسایل و اعتبارات کافی و نداشتن کارکنان وارد به کار و با در نظر گرفتن این که هر سخن و جمله و عبارتی که پخش می‌شد، مورد قضاوت عموم قرار می‌گرفت، بسیار مشکل و طاقت‌فرسا بود. در هر صورت این جانب دفتر خود را در آپارتمانی واقع در ابتدای خیابان سپه مشرف به میدان سپه برقرار نمودم و با کمک جمعی از استادان و نویسندگان عالی‌قدر و از جمله استاد بزرگ سعید نفیسی و دکتر ذبیح‌الله صفا و چند تن از بانوان روشنفکر به تهیه یک سلسله گفتارهای ادبی، جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و خانه‌داری شروع کردیم، به طوری که احتیاجات رادیو را برای مدت سه ماه قبلاً آماده ساختیم.<sup>۸</sup> انتخاب گویندگان گفتارهای فارسی رادیو نیز با برگزاری مسابقه‌ای در باشگاه افسران صورت گرفت. در این آزمون ۱۶۰

جامعی تنظیم و به تصویب دولت برساند که به ترتیب منظمی اخبار و نطق‌ها و موسیقی و غیره برای پرورش افکار عمومی به وسیله‌ی رادیو پخش شود. در مراکز کشور بلندگوهای در امکانه عمومی برای شنیدن رادیو نصب خواهد شد. کمیسیون رادیو باید فوراً شروع به کار نماید تا هنگام دایر شدن دستگاه رادیو در تهران برنامه شش ماه آن قبلاً آماده باشد.<sup>۴</sup>

تأسیسات فنی رادیو با سفارش ساخت دو دستگاه فرستنده موج کوتاه به قدرت دو و بیست کیلو وات به کمپانی استاندارد انگلیس در بهمن ماه ۱۳۱۷ در دستور کار قرار گرفت.<sup>۵</sup> همچنین وزارت پست و تلگراف دستور ساخت عمارت مخصوصی برای استودیو رادیو تهران صادر کرد. برای این مهم، ساختمان سابق تلگرافخانه هندواروپ در جنب وزارت پست و تلگراف خراب شد تا بنای استودیو جایگزین آن شود. ساخت آن هم به یک شرکت آلمانی به نام هوختیف واگذار شد. اما اشغال ایران توسط متفقین این اقدام را ناتمام گذاشت.<sup>۶</sup>

علاوه بر این، کمیسیون رادیو به ریاست سرتیپ رضاقلی امیرخسروی، وزیر دارایی، وظیفه داشت طبق ماده یازدهم اساسنامه سازمان پرورش افکار برای رادیو برنامه جامعی تنظیم و به تصویب هیأت دولت برساند. مهم‌ترین اقدام در این مورد تهیه گفتارهای تخصصی رادیو بود که این امر به وزارخانه‌های مربوط محول شد و علاوه بر آن، از نویسندگان و ادیبان برجسته‌ای همچون مطیع الدوله حجازی، سعید نفیسی، ملک الشعراي بهار و رشید یاسمی دعوت گردید که در تهیه برنامه‌های رادیو همکاری نمایند.<sup>۷</sup> گویا دبیرخانه‌ای هم به وجود آمد که امور اداری و تبلیغی رادیوی در حال تأسیس را بر عهده داشته باشد. ابراهیم خلیلی سپهری، اولین مسئول دبیرخانه، در این مورد می‌نویسد:

«در یکی از روزهای دی ماه سال

نفر داوطلب شرکت جستند که برندگان آن به عنوان «نخستین گویندگان فارسی رادیو» شناخته می‌شوند. این افراد عبارت بودند از خانم‌ها قدسی رهبری، طوسی حائری و نخعی و آقایان اسدالله موثقی، رکن‌الدین آشتیانی، ابوالقاسم طاهری، شکوهی و محتشم. ده نفر هم برای گویندگی برنامه‌های خارجی برگزیده شدند.<sup>۹</sup>

کمیسیون موسیقی هم بایستی در رادیو وظایفی بر عهده می‌گرفت، هرچند که در سازمان پرورش افکار وظایفی فراتر از رادیو داشت. ریاست کمیسیون موسیقی با سرگرد غلامحسین مین‌باشیان بود که ریاست اداره‌ی موسیقی کشور را نیز بر عهده داشت. این کمیسیون از نیمه دوم سال ۱۳۱۸ برای آمادگی خوانندگان و نوازندگانی که دعوت به کار کرده بود، تمرین‌های مکرری را آغاز کرد. رادیو سال‌های آغازین را می‌توان با نام‌هایی چون مرتضی محجوبی، مرتضی نی‌داود، موسی معروفی، عبدالحسین شهنازی، حاج علی اکبر شهنازی، حبیب‌الله سماعی، حسین یاحقی، ابوالحسن صبا، مهدی خالدی، وزیر تبار، حسین تهرانی و مهدی نوایی در عرصه نوازندگی

## رادیو با توجه به جمعیت

### بی‌شمار بی‌سوادان

### کشور از نفوذ و گستره

### بالایی برخوردار بود که

### می‌توانست سیاست‌های

### دولت را در میان توده‌ها

### ترویج و تبلیغ کند.

### تعمیق مدرنیسم و

### ناسیونالیسم مورد

### حمایت دولت که فرهنگ

### و سبک زندگی نوینی را

### تبلیغ می‌کرد، بر امواج

### رادیو در گوش توده‌هایی

### می‌نشست که هنوز معتقد

### به سنت‌ها و رسوم قومی

### و بومی خود بودند.

آهنگسازی و قمرالملوک وزیری، ملوک ضرابی، روح انگیز، عزت روحبخش، ادیب خوانساری، جلال تاج اصفهانی، جواد بدیع زاده و غلامحسین بنان در عرصه آواز و خوانندگی عجین دانست.<sup>۱۰</sup>

اواخر سال ۱۳۱۸ اوج فعالیت

دست‌اندرکاران تأسیس رادیو است.

فرستنده‌ای که از شرکت تلفنک آلمان

خریداری شده بود، نصب و راه‌اندازی

شد. همچنین در ۲۶ اسفند همان سال،

کمیسیون بررسی برنامه‌های رادیو با

حضور علی معتمدی (معاون نخست

وزیر)، محمد حکیمی (معاون وزیر پست

و تلگراف)، سعید سمیعی (مدیرکل

وزارت کشور)، دکتر عبدالحسین داریوش

(رئیس بی‌سیم پهلوی) و حسین فرهودی

(رئیس دبیرخانه سازمان پرورش افکار)

تشکیل گردید. در این جلسه تصمیم

گرفته شد وزارت پست و تلگراف و تلفن از

تالار دارالفنون و باغ فردوس شمیران - دو

مرکز تشکیل جلسات سخنرانی سازمان

پرورش افکار - به رادیو کابل بکشد تا

سخنرانی‌ها و برنامه‌های موسیقی اجرا

شده توسط سازمان پرورش افکار مورد

استفاده رادیو قرار بگیرد. مصوبه دیگر

این جلسه هم مقرر می‌کرد فهرستی از

شهرهای دارای برق تهیه شود تا دستگاه

گیرنده و بلندگو در میادین شهرها برای

استفاده عمومی از رادیو نصب شود.

برنامه‌های رادیو هم به گونه‌ای تنظیم

گردید که برنامه‌های مفید آن در ساعات

اولیه شب که شهرستان‌ها دارای برق

بودند، پخش گردد.<sup>۱۱</sup>

با این تمهیدات، کارگزاران پهلوی

آماده‌ی تأسیس رادیو در روز چهارم

اردیبهشت ۱۳۱۹، سالروز تاجگذاری

رضاشاه، شدند. مراسمی که با حضور

ولیعهد، محمدرضا پهلوی، اعضای هیأت

دولت، وزیر دربار شاهنشاهی، رئیس

مجلس شورای ملی و صاحب منصبان

لشکری و کشوری برگزار شد. در این

مراسم احمد متین‌دفتری، نخست وزیر،

نطق افتتاحیه را ایراد کرد و برنامه افتتاح



رادیو که از ساعت هجده آغاز شده بود تا ساعت ۲۳ ادامه یافت. از جمله برنامه‌های مراسم، اجرای موسیقی توسط هنرجویان هنرستان عالی موسیقی و ارکستر استادان اداره موسیقی زیر نظر سرگرد مین‌باشیان بود.<sup>۱۲</sup>

بدین ترتیب، ایرانیان در پایان سلطنت رضاشاه صاحب رادیو شدند. تأثیرگذاری رادیو به‌ویژه در آن سال‌ها نکته‌ای است که بی‌نیاز از شرح و توصیف است. رادیو با توجه به جمعیت بی‌شمار بی‌سوادان کشور از نفوذ و گستره بالایی برخوردار بود که می‌توانست سیاست‌های دولت را در میان توده‌ها ترویج و تبلیغ کند. تعمیق مدرنیسم و ناسیونالیسم مورد حمایت دولت که فرهنگ و سبک زندگی نوینی را تبلیغ می‌کرد، بر امواج رادیو در گوش توده‌هایی می‌نشست که هنوز معتقد به سنت‌ها و رسوم قومی و بومی خود بودند. رادیو می‌توانست اختلافات قومی را به یکپارچگی ملی مبدل سازد. این وسیله مدرن بهترین ابزار برای انتقال مدرنیته در میان ایرانیان بود. همان‌گونه که احمد متین‌دفتری وعده داد، دولت در صدد بود «وسیله شنیدن رادیو در دسترس همگی گذاشته شده، تمام اهل کشور در هر جا که باشند، آسان و بلکه رایگان از آن برخوردار» شوند.<sup>۱۳</sup>

با تأسیس رادیو اما مشکلات دیگری به وجود آمد. از آن جمله اداره سازمان رادیو از اموری بود که بعدها موجب تداخل وظایف شد. امور فنی رادیو بر عهده وزارت پست و تلگراف و تلفن قرار داده شده بود، در حالی که امور مربوط به دستگاه‌های پخش صدا و استودیو که در مرکز بی‌سیم در بالای قصر قاجار بود، تحت نظارت عبدالحسین داریوش، رئیس بی‌سیم پهلوی، قرار داشت. دبیرخانه رادیو هم مسئول تهیه اخبار و گفتارها بود. برنامه موسیقی نیز با نظارت سرگرد مین‌باشیان، رئیس مدرسه عالی موسیقی و با موافقت ابراهیم سپهری انجام می‌شد. دبیرخانه رادیو موظف بود

برای تأیید بخش اخبار داخلی و خارجی، گفتارها و سخنرانی‌ها از نخست‌وزیری و وزارت امور خارجه کسب تکلیف و اجازه کند. مسئولیت‌ها متعدد بود، اما بودجه رادیو شامل «حقوق کارمندان اداری و دستمزد گویندگان و نوازندگان و خوانندگان و نویسندگان گفتارها و مخارج دفتری و هزینه اتومبیل و کرایه خانه» بر عهده وزارت پست و تلگراف و تلفن بود.<sup>۱۴</sup> این امر مشکلاتی برای رادیو فراهم ساخت چرا که هر قسمتی داعیه و نظریه‌ای جداگانه داشت. سرانجام با تأسیس اداره کل انتشارات و تبلیغات تمامی امور مربوط به تبلیغات اعم از رادیو، خبرگزاری پارس و مطبوعات به این اداره محول شد. عیسی صدیق، اولین سرپرست اداره کل انتشارات و تبلیغات، در این مورد می‌گوید:

«در شهریور ۱۳۱۹ اداره دانشسرای عالی و دانشکده‌های ادبیات و علوم بر عهده من بود، دولت مرا مأمور تأسیس اداره کل انتشارات و تبلیغات نمود. من ابتدا از قبول این مأموریت استتکاف کردم و سعی نمودم آقای نخست‌وزیر را منصرف کنم و چند روز هم در خانه نشستم، لیکن معلوم شد که تصمیم مذکور از طرف شاهنشاه اتخاذ شده و تغییر‌پذیر نیست. والا حضرت همایون ولایت عهد... نیز مرا به قبول آن ترغیب فرمودند. این بود که از اواسط مهرماه با اختیارات تام به کار مشغول شدم.

پس از فراهم کردن محل مناسب برای اداره (خانه سیدالعراقین در مغرب ساختمان اوپرا) و تهیه اثاثیه و استخدام اعضای برای امور دفتری و اداری و انتقال اداره نامه‌نگاری از وزارت کشور و خبرگزاری پارس از وزارت امور خارجه و رادیو از وزارت پست و تلگراف، در صدد برآمدن هدف اساسی و خط مشی و برنامه کار اداره کل انتشارات و تبلیغات را معین کنم. برای استفاده از نظریات دانشمندان کشور برحسب پیشنهاد من و تصویب دولت، اعلی حضرت اجازه فرمودند که

شورای عالی انتشارات از اشخاص ذیل تشکیل شود: ذکاءالملک فروغی، محمد قزوینی، دکتر غنی، دکتر سیاسی، دکتر محمود افشار (مدیر مجله آینده)، دکتر شفق و علینقی وزیری. پس از چند جلسه بحث و گفت‌وگو برنامه‌ی مفصلی برای چند سال تهیه و بودجه هم بر اساس آن برنامه نوشته شد که در حدود ده میلیون ریال آن زمان بود.<sup>۱۵</sup>

البته ابراهیم خلیلی سپهری از فردی به نام مقدم، از مدیران وزارت خارجه، به عنوان نخستین رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات نام می‌برد که ریاست او چند ماهی بیش به طور نمی‌انجامد و پس از او عیسی صدیق به این مقام گمارده می‌شود.<sup>۱۶</sup>

ریاست عیسی صدیق اما تحولی مهم در امور تبلیغی و فرهنگی بود، به طوری که سپهری او را «بحق... بنیانگذار اداره تبلیغات» می‌داند.<sup>۱۷</sup> صدیق از دغدغه‌ها و اقداماتش در این سمت چنین یاد می‌کند:

«در آن موقع که در اثر جنگ وسایل فنی ما بسیار کم و ناقص بود، سه موضوع اساسی مورد نظر بود. نخست، رعایت بی‌طرفی در جنگ جهانی. برای این کار من ناگزیر بودم روزی ۱۵ ساعت کار کنم و تمام خبرها و گفتارها و تفسیرهای رادیو را شخصاً بخوانم و هر جا تردیدی داشتم، از نخست‌وزیر بپرسم. بعضی از گفتارها عیناً به نظر نخست‌وزیر می‌رسید.

موضوع دوم، آگاه ساختن شاهنشاه از اخبار جنگ و دنیا بود. در آن موقع همه جا و همیشه برق وجود نداشت و اشخاصی که به زبان‌های بیگانه کاملاً آشنا باشند، نادر بودند. در نتیجه زحمات زیاد، دوازده نفر برای گوش کردن به ایستگاه‌های مهم و گزارش مهم‌ترین اخبار پیدا و مأمور این کار شدند. بعضی اوقات اخبار به اندازه‌ای اهمیت و فوریت داشت که با تلفن به عرض می‌رسید. در خانه من نیز برق دائمی از ترانسفورماتور برقرار شد و شب‌ها شخصاً به رادیوها

گوش می‌دادم و به این ترتیب نظارتی هم در کار کسانی که در اداره مشغول بودند، می‌نمودم.

موضوع سوم، بیان و تشریح مقاصد و منویات دولت ایران و اقداماتی که برای ترقی و عمران مملکت می‌شد که به زبان انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی و عربی و ترکی هر روز پخش می‌شد و علاوه بر وزرای مسئول عده‌ای از نویسندگان میرز در تهیه‌ی گفتارها همکاری می‌کردند.

در قسمت موسیقی، چون اکثریت مردم ایران همیشه از این نعمت محروم و نخستین بار در تاریخ، افراد ملت قادر به استفاده از ساز و آواز شده بودند و نهایت علاقه را بدان ابراز می‌داشتند، حداکثر مجاهدت به عمل آمد که بهترین هنرمندان در موسیقی رادیو شرکت جویند. به این ترتیب خواندن مثنوی و شاهنامه و زدن نی و سنتور و کمانچه و مانند آن در رادیو معمول شد و ارکسترهای خوب به وجود آمد.<sup>۱۸</sup>

سخنان صدیق معطوف به وضعیت رادیو و نقشی است که می‌بایست در آن زمان ایفا می‌کرد. وقوع جنگ جهانی دوم کنترل شدیدی را بر رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی حاکم کرد. پیش از اشغال ایران توسط متفقین، اخبار به یک صورت و پس از اشغال به صورت دیگر در رسانه‌ها انعکاس یافت. این کنترل به حدی بود که وزارتخانه‌ها از ارسال مستقیم اخبار خود به مطبوعات منع شده و موظف به ارسال آن به اداره کل تبلیغات برای تأیید جهت درج در روزنامه‌ها و پخش از رادیو بودند.<sup>۱۹</sup> همچنین به نظر می‌رسد بیان اقدامات سلطنت پهلوی به زبان‌های خارجی از آن رو بود که از طریق رادیو و به زبان‌های گوناگون از اقدامات دوران سلطنتش بگوید که خود پی به لرزان بودن موقعیت خویش برده و از این طریق می‌خواست افکار عمومی اروپا را مخاطب قرار دهد. رضاشاه را اما دوام و بقایی نبود. او هنوز پا در خاک ایران داشت که از

رادیو سخنانی در انتقاد از خود شنید. از رادیویی که تا به شاهی برقرار بود، از ستایش او ذره‌ای فرو نمی‌گذاشت.

اشغال ایران توسط متفقین، رادیو را در سانسوری در جهت منافع آنان قرار داد. آنان در یک قرارداد همکاری تحمیلی، تسلط بر همه‌ی وسایل ارتباط جمعی از جمله رادیو را به دست آوردند. بر این اساس اخبار مطبوعات و خبرگزاری‌ها و تلگراف‌ها کنترل و پس از آن قابل پخش از رادیو و درج در روزنامه‌ها بود. همچنین رادیوها در اماکن عمومی کنترل می‌شد و صاحبان این اماکن متعهد بودند از گرفتن اخبار رادیوی دول محور خودداری نمایند.

علاوه بر کنترل مطالب رادیو، متفقین ساعاتی از رادیو را به انتشار برنامه‌های خود اختصاص دادند. اقدامی که تا آنجا گسترش یافت که رادیو را به بنگاه سهامی مبدل ساخته بود. گویا روس‌های شوروی از این وضعیت بیش از متحدین خود بهره می‌بردند. آنان از سویی علاوه بر پخش برنامه‌های روسی، تقاضای پخش برنامه به زبان لهستانی به بهانه‌ی حضور اقلیتی لهستانی در خاک شوروی داشتند که این تقاضا در جهت مقابله با دولت لهستانی تشکیل شده در انگلستان بود. همچنین روس‌ها در برنامه‌هایشان سیاست داخلی ایران را نیز مورد انتقاد و هجمه تبلیغی قرار می‌دادند. دکتر حسن صفوی، مدیرکل اداره انتشارات و تبلیغات در آن سالها، وضع دستگاه تبلیغاتی کشور را چنین شرح می‌دهد:

«در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ که جنگ جهانی دوم در منتهای شدت و حرارت خود بود، این جانب عهده‌دار اداره دستگاه تبلیغاتی کشور شدم. اداره کل انتشارات و تبلیغات بدون تردید دوران پرهیجانی را طی می‌کرد. در حقیقت این جانب این دستگاه را که در اثر وقوع جنگ جهانی منحل و ادارات تابعه آن بین وزارتخانه‌های خارجه و کشور و پست و تلگراف تقسیم شده بود، به دستور

نخست وزیر وقت، بنده مأمور تشکیل مجدد آن شدم.»

وضعیت برنامه‌های رادیو هم صورت خوشی نداشت و کارمندان رادیو مجری تبلیغات بیگانگان بودند:

«ساعات رادیو بین اغلب خانه‌های فرهنگی تقسیم و هر دسته و گروهی برای تأمین منظورهای تبلیغاتی خود، از رادیو تهران به رایگان استفاده می‌نمودند و این برنامه‌ها به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی و روسی، عربی، هندی و غیره اجرا می‌شد و بعضی از کارمندان اداره کل انتشارات و تبلیغات خود از جمله کارمندان خانه‌های فرهنگی بودند و به نمایندگی مؤسسات مزبور در رادیو صحبت می‌کردند... تبلیغات به نحوی صحنه رقابت و مبارزه و اعمال نفوذ بی مورد عمال مختلفه شده بود که دست کمی از میدان جنگ نداشت و این وضع به حیثیت و شئون اداری و ملی ما لطمه وارد می‌ساخت.»<sup>۲۰</sup>

صفوی برای مقابله با این رویه به اصلاحاتی پرداخت که از آن جمله اخراج کارمندان مزبور از رادیو و جلوگیری از برنامه‌های خارجی در آن بود.<sup>۲۱</sup> اقدامی که روس‌ها را از او بسیار خشمگین ساخت.

رادیو پس از شهریور ۱۳۲۰ بر اثر تغییر پادشاه و فضای آزادی که به وجود آمده بود، تغییراتی در برنامه‌های خود داشت. برنامه‌های مذهبی که در ذهن و اندیشه بنیانگذاران رادیو جایگاهی نداشت، پنج ماه پس از سقوط رضاشاه در عداد برنامه‌های رادیو قرار گرفت. توجه بیشتر به موسیقی ایران با محتوای ملی نیز در این دوره صورت گرفت. شاید بتوان گفت اشغال ایران و رفتارهای اشغالگران، در تغییر مفهوم ناسیونالیسم ایرانی در نزد نخبگان و روشنفکران ایرانی تأثیر بسزا داشت. به طوری که باز نمود این تغییر را می‌توان در سرود «ای ایران» مشاهده کرد. ناسیونالیسمی که از شاه پرستی به ایران دوستی صرف چرخش پیدا کرد. بر

این محور که شاهان و سلسله رفتنی‌اند و این محدوده‌ی ارضی با هویت ملی-مذهبی برآمده از تاریخ کهن ایران مانا و جاودانی است. به گفته بهرام شاهرخ، یکی از مدیران کل انتشارات و تبلیغات، اقدامات کارگزاران رادیو در دوره جنگ جهانی متوجه امور «سیاسی» بود و آنان با آن که همواره «در معرض تهدید تغییر» بودند، تمامی «حواسشان» را «مصرف» حفظ موجودیت و مصالح کشور در یکی از حساس‌ترین بحران‌های تاریخ ایران نموده بودند.<sup>۲۲</sup>

تمامی این تغییر و تحولات در واکنش به حوادث گوناگون و خواست اجتماعی آن روزگار بود و بسیاری از برنامه‌ها با نقایصی روبرو بود. از همین رو در هفتم بهمن‌ماه ۱۳۲۶ اولین کمیسیون تجدیدنظر در برنامه‌های رادیو تشکیل شد و از موسیقی تا برنامه‌های مذهبی آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. توجه به هویت و وحدت ملی در تولید برنامه‌ها نکته‌ای است که اعضای کمیسیون بر آن تأکید داشتند. چنین دغدغه‌ای در تأسیس رادیو تبریز نیز وجود داشت، به طوری که در این رادیو به عنوان دومین فرستنده‌ی خارج از مرکز با قابلیت تولید برنامه پس از اصفهان، ایجاد احساس هویت مشترک میان آذری‌زبانان و دیگر ایرانیان مدنظر بود. در رادیو نه تنها به زبان فارسی که به زبان ترکی آذری نیز توجه شایانی می‌شد. به همین گونه کارگزاران سیاسی و فرهنگی بر این نکته تأکید داشتند اقوامی همچون کردها و ترکمن‌ها بایستی از طریق پخش برنامه‌هایی به این زبان‌ها به همگرایی ملی با دیگر ایرانیان دست یافته و از جذب آنان به خارج مرزها که آن هم توسط رادیو صورت می‌گرفت، جلوگیری شود.

یکی دیگر از مسائلی که در سیاستگزاری برنامه‌های رادیو پس از شهريور بیست جایگاه خاصی داشت، گفتارهای مذهبی است. گفتارهای مذکور از یک سو موجب



آشتی بعضی از نیروهای مذهبی با این رسانه شده بود و از سویی محتوای برخی از این گفتارها شکایات گروه‌های دیگری را برانگیخته بود. از همین رو در نخستین کمیسیون تجدیدنظر بر این مهم تأکید شد در برنامه‌های مذهبی مطالبی گفته نشود که باعث رنجش «فرقه و پیروان مذهب دیگر که در ایران شماره‌ی آنها به ۱۸ دسته می‌رسد» بشود. همچنین واگذاری سخنرانی‌های مذهبی به افراد موجه و دارای تبحر، از نکاتی است که در کمیسیون مورد تأکید قرار گرفت.

به جز حسینعلی راشد، سخنگوی مذهبی معروف تاریخ رادیو که بسیاری از شنوندگان قدیمی رادیو از صدا و بیان او خاطره دارند، افرادی مانند استاد مرتضی مطهری، سید مصطفی خراسانی، عبدالحسین ابن‌الدین، سید حسین صدر شیرازی، حکمت آل‌آقا و سید محسن بهبهانی در رادیو به وعظ و تبلیغ مذهبی همت گماشته‌اند. در این میان سید محمود طالقانی نیز به مدت کوتاهی پس از شهريور بیست در رادیو به سخنرانی پرداخت.<sup>۲۳</sup>

به جز این مذهبیون با رادیو رابطه‌ای دیگر داشتند که رابطه‌ای چالش برانگیز است. موسیقی رادیو محل این نزاع بود. برخی از مذهبیون خواستار حذف کامل موسیقی از رادیو بودند. نکته‌ی مهم آن که برخی از این مخالفان، با کلیت رادیو مخالفتی نداشتند و آن را ابزار مناسبی برای تبلیغ و ترویج شعائر دینی می‌دانستند. مخالفت با موسیقی هم از حد افراطی آن، که خواستار حذف کامل بود تا حد میانه‌ای که حذف آن در ایام سوگواری ائمه هدی را می‌طلبید، در نوسان بود.<sup>۲۴</sup> مخالفتی که با در غلتیدن محمدرضا شاه به خودکامگی و تلاش او برای نوسازی کشور بدون توجه به سنت‌های بومی و مذهبی دیگر جدیتی نداشت و شکاف توده‌های مذهبی با رژیم عمیق و ترمیم ناشدنی شده بود. البته در دوره‌ی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲،

**اشغال ایران توسط متفقین،  
رادیو را در سانسوری در  
جهت منافع آنان قرار داد.  
آنان در یک قرارداد همکاری  
تحمیلی، تسلط بر همه‌ی  
وسایل ارتباط جمعی از  
جمله رادیو را به دست  
آوردند. بر این اساس اخبار  
مطبوعات و خبرگزاری‌ها و  
تلگراف‌ها کنترل و پس از آن  
قابل پخش از رادیو و درج  
در روزنامه‌ها بود.**



مذهبیون با کلیت  
رادیو مخالفتی  
نداشتند و آن را ابزار  
مناسبی برای تبلیغ و  
ترویج شعائر دینی  
می دانستند. مخالفت  
با موسیقی هم از  
حد افراطی آن، که  
خواستار حذف کامل  
بود تا حد میانه‌ای  
که حذف آن در ایام  
سوگواری ائمه هدی  
را می طلبید، در  
نوسان بود.

رژیم با توجه به نیازی که به مذهب‌یون احساس می‌کرد تا از آنان در توجیه نهاد سلطنت بهره جوید، اجازه داد رادیو تریبونی برای حمله به فرقه‌ی بهایی شود. اتفاقی که موجب جنبش ضد بهایی در تهران و برخی از شهرهای ایران گردید. با قدرت‌گیری محمدرضا شاه، رادیو نه تنها به استخدام بهایی‌ها مبادرت ورزید که حتی حجت‌الاسلام فلسفی، سخنران رادیو در ایجاد جنبش ضدبهایی، در برنامه فکاهی رادیو مورد استهزاء قرار گرفت. با شدت گرفتن رویارویی رژیم و مذهب‌یون از پی انقلاب سفید، حتی پخش اذان ظهر از رادیو متوقف گردید.

از دیگر مواردی که از همان ابتدا مورد توجه کارگزاران رادیو بود، ایرانیان خارج نشین به عنوان مخاطبان مهم رادیو تهران بودند. مخاطبانی که در گفتمان ناسیونالیسم رضاشاهی مبتنی بر نژاد و زبان جایگاه خاصی داشتند. این بخش از ایرانیان علاوه بر یادآوری شکوه و اقتدار حاکمیت باستانی ایران در حوزه‌ی فرهنگی ایران امروز، می‌توانستند به عنوان حافظان منافع دولت ایران در کشورهای محل اقامت خود عمل کنند. بر همین اساس، پس از تأسیس رادیو، وزارت امور خارجه پی‌جوی آن بود که وضعیت صدای رادیو تهران در کشورهای همجوار چگونه است.

هرچند مبنای نژاد و زبان در گفتمان ناسیونالیسم این دوره گستره‌ای از ایرانیان با عقاید گوناگون را در بر می‌گرفت، اما عدم توجه به مذهب اکثریت جامعه در این گفتمان و به تبع آن رادیو، علاوه بر بخش اعظمی از داخل، بخشی از ایرانیان خارج نشین به ویژه ساکنان عراق را از نظر دور می‌داشت.

گفتمان مذکور پس از سقوط رضاشاه تغییر یافت و احترام به عقاید مذهبی در کنار توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام گوناگون ایرانی از شاخصه‌های گفتمان ناسیونالیسم ایرانی شد. گفتمانی که در نهضت ملی شدن صنعت نفت راهگشا

بود. جالب این که پس از گسست توده‌های مذهبی از رژیم که در نهایت منجر به جنبش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید، مخاطبان خارجی رادیو ایران نیز تغییر کردند. اگر تا پیش از این سعی می‌شد ایرانیان مقیم خارج مخاطب رادیو ایران باشند، بعد از آن و به ویژه پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶، اوضاع دگرگونه شد. عراق، تبعیدگاه آیت‌الله خمینی، یکی از طرف‌های اصلی جنگ در تضاد با رژیم پهلوی قرار داشت. از همین رو اهالی عراق مخاطبان اصلی رادیو اهواز بودند. رادیویی که در مقابله با تبلیغات رادیو بغداد و بعدها رادیو «نهضت روحانیت در ایران»، متعلق به مخالفان رژیم، فعالیت گسترده‌ای داشت. در واقع گسست با اکثریت جامعه به گسست با ایرانیان خارج نشین تسری یافته بود.

هرچند تمامی آنچه گفته شد، در ارتباط با سیاست بود که سیاست گستره‌ای وسیع دارد و در دنیای جدید تمامی امور زندگی را در بر می‌گیرد. اما سیاسی‌ترین بخش مربوط به رادیو، سانسور است.

تاریخ سانسور در ایران فراتر از تاریخ رادیو است که پیش از آن با ورود رسانه‌ی قدیمی‌تر، یعنی روزنامه، سانسور و کنترل دولت بر آن اعمال می‌شد. رادیو نیز از این قاعده مستثنی نبود. رضاشاه حساسیتی ویژه نسبت به آن داشت، چرا که اگر مطلبی بر امواج رادیو سوار می‌شد، دیگر جلوگیری از نشر و اشاعه‌ی آن امکان‌پذیر نبود. از همین رو علاوه بر ارسال اخبار و گفتارهای رادیو به اداره‌ی راهنمای نامه‌نگاری شهربانی برای کسب اجازه‌ی پخش، هنگامی که خواندن مقالات سیاسی و اجتماعی روزنامه‌ها جزو برنامه‌های رادیو قرار گرفت، تنها اجازه‌ی شخصی رضاشاه مجوزی برای پخش بود. تشکیل اداره کل انتشارات و تبلیغات و تمرکز تمامی وسایل و مراکز اطلاع رسانی و تبلیغاتی در زیر چتر آن را می‌توان در این راستا تحلیل کرد.



علاوه بر این، رادیو در دوره‌های مختلف تجربه‌های گوناگونی از سانسور را از سر گذراند. منتقدین پس از اشغال ایران نه تنها بر مطالب رادیو نظارتی تام و تمام داشتند که ایرانیان در دوره‌ی اشغال از داشتن دستگاه گیرنده‌ی اتومبیل و شنیدن اخبار دول محور از فرستنده‌های آنان در مجامع عمومی محروم بودند. البته محروم کردن افراد از دستگاه گیرنده‌ی اتومبیل به بهانه‌ی تبدیل آن به یک فرستنده و انجام اعمال جاسوسی صورت می‌گرفت.

رادیو همچنین در حوادث سیاسی نقش مهمی ایفا کرده است. این رسانه از گستره‌ی نفوذ بالایی برخوردار است که از طریق امواج بسیار سهل‌تر از دیگر وسایل ارتباطی به اقصی نقاط منتقل می‌شود و از سویی به وسیله‌ی آن بهتر می‌توان توده‌ها را تهییج یا به سکوت و انفعال کشاند.

محمدرضا شاه از طریق رادیو بود که شکست کودتا در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ را شنید و از این طریق در جریان میتینگ میدان بهارستان قرار گرفت و به گوش خود شعارها و کلام‌هایی در تحقیر خود و پدرش شنید. از همین رو بی جهت نبود که تسخیر رادیو در رأس اهداف عملیات کودتایچیان مردادماه ۳۲ قرار داشت. از آن سو هم دکتر غلامحسین صدیقی، وزیر کشور دکتر مصدق، در حفظ آن نگران بود. اعلام سقوط دولت مصدق از رادیو تهران بود که مَهر پایانی بر اقتدار دولت مرکزی زد و سقوط رادیوهای خارج از مرکز یکی پس از دیگری نشانه‌ی پیروزی کودتا بود. کودتای ۲۸ مرداد هرچند پایان یک روند در تاریخ سیاسی ایران به شمار می‌رود، اما روند توسعه‌ی رادیو پس از آن ادامه یافت. در سال ۱۳۳۵ دستگاه دو کیلوواتی رادیو تهران به پنجاه کیلووات و یک سال بعد به صد کیلووات تبدیل شد. در همین سال بود که ایستگاه صد کیلوواتی رادیو تهران به «رادیو ایران» تغییر نام یافت و فرستنده‌ی قدیمی نیز

تحت نام «رادیو تهران» برنامه‌های جداگانه‌ای پخش می‌کرد.

از سال ۱۳۴۸، وزارت پست و تلگراف و تلفن گسترش شبکه‌ی رادیویی کشور را بر عهده گرفت و دو سال بعد در سال ۱۳۵۰ با ادغام رادیو و تلویزیون، سازمان نوپنیا رادیو تلویزیون ملی ایران ایجاد شد.

رادیو در طی دوران پس از انقلاب اسلامی همواره به عنوان رسانه‌ی مردمی در کنار مردم و برای مردم باقی مانده است. اگرچه در دنیای جدید شاهد ظهور رسانه‌های نوین و پیشرفت‌های عظیم فناوری هستیم اما رادیو همچنان با قابلیت‌های ویژه‌ی حضوری قدرتمند در این عرصه خواهد داشت.

پی‌نوشت:

۱- اندرو کرایسل، درک رادیو، ترجمه معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا، ۱۳۸۱، صص ۲۶-۲۸

۲- کارنامه‌ای از رادیو و تلویزیون ملی ایران تا پایان سال ۱۳۳۵، به کوشش ژیللا سازگار، تهران: سروش ۱۳۳۶، ص ۱۰

۳- پیشین، ص ۱۰  
۴- فرهنگ‌ستیزی در دوره‌ی رضاشاه (اسناد منتشر نشده‌ی سازمان پرورش افکار، ۱۳۲۰-۱۳۱۷ ه.ش)، به کوشش محمود دلفانی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵، صص ۲-۱

۵- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۴۵-۱۳۱۸ ه.ش)، به کوشش علیرضا اسماعیلی و دیگران، تهران: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور- سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۳

۶- پیشین، مقدمه، صص ۵-۶  
۷- کارنامه‌ای از رادیو و تلویزیون ملی ایران...، ص ۱۱

۸- ابراهیم سپهری، چگونه رادیو تهران تأسیس شد، مجله رادیو ایران، ش ۸۲، شهریورماه ۱۳۴۲، صص ۲۶-۲۷

۹- کارنامه‌ای از رادیو تلویزیون ملی ایران...، ص ۱۱

۱۰- پیشین، ص ۱۱  
۱۱- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران، صص ۵-۶

۱۲- پیشین، صص ۲۱-۲۲  
۱۳- همان، ص ۲۰

۱۴- ابراهیم سپهری، پیشین، ص ۷۲  
۱۵- مجله رادیو ایران، ش ۲۰، فروردین ماه ۱۳۳۷، صص ۴ و ۲۸

۱۶- ابراهیم سپهری، کارنامه‌ی چندساله‌ی رادیو ایران، مجله‌ی رادیو ایران، ش ۸۵، آذرماه ۱۳۴۲، ص ۲۶  
۱۷- پیشین، همان‌جا

۱۸- مجله‌ی رادیو ایران، ش ۲۰، ص ۲۸  
۱۹- ابراهیم سپهری، کارنامه‌ی چندساله‌ی رادیو ایران، مجله‌ی رادیو ایران، ش ۸۶، دی ماه ۱۳۴۲، ص ۳۲

۲۰- مجله‌ی رادیو ایران، ش ۲۰، ص ۳۰  
۲۱- پیشین، ص ۳۰

۲۲- مجله‌ی رادیو ایران، ش ۲۰، ص ۵  
۲۳- ر.ک: رضا مختاری اصفهانی، همان، مقاله‌ی مذهب و مذهب‌یون در رادیو

۲۴- ر.ک: پیشین، مقاله‌ی چالش مذهب‌یون و رادیو